

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد و آل محمد

کاربرد نادرست فعل

در این درس به تعدادی از خطاهای رایج در نحوه به کارگیری فعل اشاره می‌کنیم و به چگونگی رفع این اشکالات و مثال‌هایی در این باره می‌پردازیم:

۱. حذف بی‌قرینه فعل یا جزئی از آن

بسیار پیش می‌آید که برای جلوگیری از تکرار، جزء دوم فعل حذف می‌شود؛ مثلاً در جمله

بهترین نفت سبک خاورمیانه در ایران استخراج و بهره‌برداری می‌شود.

دو فعل وجود داشته: «استخراج می‌شود» و «بهره‌برداری می‌شود». در انتهای هر دو فعل «می‌شود» وجود دارد و ما برای جلوگیری از تکرار، آن را از فعل اول حذف کرده‌ایم.

هر حذفی باید بر اساس وجود قرینه‌ای انجام شود. در مثال بالا «می‌شود» دوم، قرینه است برای اینکه بدانیم چنین جزئی در انتهای «استخراج» هم بوده است.

بنابراین در جمله:

بهترین نفت سبک خاورمیانه در ایران استخراج و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

حذف «می‌شود» بدون قرینه انجام شده و نادرست است. در چنین جملاتی فعل باید به طور کامل ذکر شود:

بهترین نفت سبک خاورمیانه در ایران استخراج می‌شود و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

نمونه‌هایی دیگر از حذف‌های بی‌قرینه:

- قرآن به صورت شفاهی نازل و بعدها به صورت کتاب در آمده است.
- قرآن به صورت شفاهی نازل شده و بعدها به صورت کتاب در آمده است.

- شهاب‌سنگ‌ها از جو عبور و در آسمان زمین پخش خواهند شد.
- شهاب‌سنگ‌ها از جو عبور خواهند کرد و در آسمان زمین پخش خواهند شد.

- درد، دل آدمی را بیدار و روح را صفا می‌دهد.
- درد، دل آدمی را بیدار می‌کند و روح را صفا می‌دهد.

- نیروی انتظامی سارقان را دستگیر و به زندان فرستاد.
- نیروی انتظامی سارقان را دستگیر کرد و به زندان فرستاد.

در پایان نمونه‌ای از یک نامه اداری را ببینید که حذف‌های بی‌قرینه چه بلایی بر سر عبارتها آورده‌اند:

آقای رحمانی! بدین وسیله وصول نامه مورخ ۸۶/۸/۴ را اعلام و اضافه می‌نماید که چک ارسالی به سبب مسامحه در ظهرونیسی عودت، مقتضی است با توجه به مدلول بند چهارم آیین نامه قانونی بانکها هرچه زودتر نسبت به تأدیة بدهی معوقه اقدام وگرنه برابر مقررات مشمول جرائم بوده و این اداره هیچ گونه مسئولیتی نخواهد داشت.

۲. دوری اجزای فعل

همیشه بهتر است اجزای فعل به هم نزدیک باشند و کلمه یا کلماتی میان آنها فاصله نیندازد؛ اما هنگامی که تعداد این کلمات زیاد باشد و بین اجزای فعل فاصله طولانی بیفتد، آسیب جدی به ساختار و مفهوم جمله وارد می‌شود؛ پس از چنین اشتباهاتی بپرهیزیم.

نمونه‌ها:

- برای این کار نیاز به مطالعه فراوان و یادداشت‌برداری‌های مفصل دارم. (نیاز داشتن)
- برای این کار به مطالعه فراوان و یادداشت‌برداری‌های مفصل نیاز دارم.
- مادر جوانی‌اش را صرف پرورش و تربیت فرزندان بالاستعدادش کرده بود. (صرف کردن)
- مادر جوانی‌اش را برای پرورش و تربیت فرزندان بالاستعدادش صرف کرده بود.
- این مسأله تبدیل به یک معضل بزرگ و غیر قابل حلّ برای همه اعضای تیم شده بود. (تبدیل شدن)
- این مسأله به یک معضل بزرگ و غیر قابل حلّ برای همه اعضای تیم تبدیل شده بود.^۱

۳. کاربرد فعل مجهول با ذکر عامل

یکی از نمونه‌برداری‌های دستوری نادرست که از ترجمه به زبان فارسی راه یافته است، کاربرد فعل‌های مجهول است؛ یعنی به کار بردن ساختار دستوری‌ای که در زبان فارسی هیچ توجیه منطقی ندارد.

۱. حتی اگر این افعال را از جهت دستوری فعل مرکب ندانیم، برای آسانی فهم مطلب بهتر است جملات را به روش دوم بنویسیم.

مجهول آوردن فعل باید دلیلی داشته باشد؛ مثلاً اینکه فاعل را نشناسیم یا نخواهیم شناخته شود. اما در جمله‌های نادرست رایج، فاعل در کنار فعل مجهول می‌آید و کلمه‌ای چون: توسط، به وسیله، از جانب، از طرف و ... هم به جمله تحمیل می‌گردد.

نمونه‌ها:

- *عده بسیاری از مردم بی‌پناه عراقی توسط هواپیماهای جنگی آمریکایی کشته شدند.*
 - *هواپیماهای جنگی آمریکایی عده بسیاری از مردم بی‌پناه عراق را کشتند.*

- *از سوی دولت یارانه‌های جدیدی برای اقلام مصرفی مردم، تعیین گردید.*
 - *دولت یارانه‌های جدیدی برای اقلام مصرفی، تعیین کرد.*

- *در سال جاری بیش از دویست قانون جدید به وسیله نمایندگان مجلس تصویب شده است.*
 - *در سال جاری نمایندگان مجلس بیش از دویست قانون جدید را تصویب کرده‌اند.*

۵. استفاده از فعل نامناسب و ناسازگاری نهاد و گزاره

نهاد و گزاره باید کاملاً با هم سازگار باشند و ارتباط منطقی میانشان برقرار شود. اسنادی که میان آن دو ایجاد می‌شود، این ضرورت را به وجود می‌آورد. ناسازگاری میان نهاد و گزاره، هم در جمله‌های مرکب پیش می‌آید و هم در جمله‌های ساده. در نمونه‌های زیر، جمله‌های ساده‌ای را می‌بینید که میان نهاد و گزاره آن‌ها ارتباط منطقی نیست و فعل، نامناسب انتخاب شده است:

- *جنگ از روز به ماه و از ماه به سال تبدیل شد.*
 - *جنگ از روز به ماه و از ماه به سال کشید.*

 - *دوستان عزیزی که در اینجا وجود دارند.*
 - *دوستان عزیزی که در اینجا حضور دارند.*

 - *افق دید بعضی افراد ضعیف است.*
 - *افق دید بعضی افراد محدود است.*
- اکنون جمله‌هایی را ببینید که نهاد در بخش دوم جمله ذکر نشده و ایجاد مشکل کرده است:

- پیامبر بیان بخشی از احکام را به جانشینان خود سپرده و به وسیله ایشان انتشار یافته است.
- پیامبر بیان بخشی از احکام را به جانشینان خود سپرده و ایشان این احکام را انتشار داده‌اند.
- سعی پیامبر بر این بود که اصحاب هر آنچه را می‌شنوند، بنویسند تا بدین وسیله از تحریف دور بماند.
- سعی پیامبر بر این بود که اصحاب هر آنچه را می‌شنوند، بنویسند تا معارف دین از تحریف دور بماند.

گاه ممکن است جزء دیگری از جمله با فعل ناسازگار باشد:

- بهیاران این مرکز آموزش‌های لازم را طی کرده‌اند.
- آموزش‌های لازم را دیده‌اند. یا: دوره‌های آموزشی لازم را طی کرده‌اند.

۶. رعایت نکردن مطابقت نهاد و گزاره در مفرد و جمع بودن

نهاد و فعل باید از نظر تعداد (مفرد و جمع بودن) با یکدیگر سازگار باشند. البته گاه این قانون کلی رعایت نمی‌شود.

در مواردی برای یک نهاد، آوردن فعل، هم به شکل مفرد جایز است هم به شکل جمع. این موارد بدین شرح‌اند:

الف) نهاد، دارای موقعیت خاص و مورد احترام باشد:

- پیامبر 6 به عیادت علی 7 رفت.
- پیامبر 6 به عیادت علی 7 رفتند.
- ب) نهاد، یکی از اسم‌های مبهم از قبیل «هر یک، هیچ یک، هیچ کدام، هر کدام» باشد.
 - هر یک از شاعران ایران چون ستاره‌ای در آسمان ادب فارسی می‌درخشند.
 - هر یک از شاعران ایران چون ستاره‌ای در آسمان ادب فارسی می‌درخشند.
- ج) نهاد، اسم غیر جانبداری باشد که جمع بسته شده است.
 - همین واژه‌ها زیبایی خاصی به نوشته‌تان می‌دهد.
 - همین واژه‌ها زیبایی خاصی به نوشته‌تان می‌دهند.
- در صورتی که به این اسم غیر جانبدار، صفات انسانی را نسبت دهیم، باید فعل آن را جمع بیاوریم.
 - همین واژه‌ها نوشته‌هایتان را بر دست می‌گیرند و تا آسمان بالا می‌برند.
 - گل‌های کوچک از تو پیام مهر می‌گیرند.
 - دیوارهای کوچکی از غم فقدان او کمر خم کرده بودند.

د) نهاد «اسم جمع» باشد؛ یعنی کلماتی چون «مردم، لشکر، گله، امت، قبیله و...» که بدون داشتن علامت جمع، در معنی خود، بر جمع دلالت می‌کنند.

- لشکر با پیروزی بازگشت.

- لشکر با پیروزی بازگشتند.

البته در اسم جمع‌ها استفاده از صیغه مفرد برتری دارد.

در این میان باید توجه داشته باشیم که وحدت روش را در یک متن رعایت کنیم. در مثال زیر، یک نهاد با فعل مفرد آمده و بعد با ضمیر جمع مورد اشاره قرار گرفته است: «سرهای مقدس شهدای کربلا از کوفه به شام فرستاده شد. سپس یزید دستور دفن آن‌ها را صادر کرد.»

در مواردی که نهاد، چند فرد باشد، با توجه به حرفی که میان افراد نهاد آمده، جمع و مفرد بودن فعل، تعیین می‌شود:

الف. عطف با «و»: فعل باید جمع باشد:

- معصومه و مینا و مریم در کارخانه کار می‌کنند.

ب. میان افراد نهاد «با» بیاید: فعل باید مفرد باشد:

- معصومه با مینا در کارخانه کار می‌کند.

- معصومه با مینا و مریم در کارخانه کار می‌کند.

ج. میان افراد نهاد «یا» بیاید: فعل باید مفرد باشد:

- معصومه یا مینا یا مریم در کارخانه کار می‌کند.

۷. ناهماهنگی فعل با جمله

فعل پایه اصلی جمله است و سایر ارکان جمله با آن کامل می‌شوند و معنی می‌یابند. اگر فعل به هر صورتی با سایر اجزای جمله هماهنگ نباشد، در ساختار جمله مشکل جدی به وجود می‌آید. بعضی از موارد این ناهماهنگی عبارت‌اند از:

- انتخاب ساختمان و زمان نامناسب:

همان گونه که می‌دانید، ساخت‌های گوناگون فعل، هر یک برای انتقال مفهومی خاص به کار می‌روند. برای مثال ماضی

مطلق از گذشته‌ای خبر می‌دهد که تحقق آن پایان یافته است؛ ماضی بعید از گذشته‌ای پیش از گذشته دیگر حکایت

می‌کند؛ ماضی استمراری کاری را گزارش می‌کند که در زمانی از گذشته، استمرار و گسترش داشته یا به تعدد اتفاق افتاده

است؛ مضارع اخباری از فعلی خبر می‌دهد که اکنون یا در آینده نزدیک وقوع می‌یابد و...

نویسنده باید انواع فعل‌ها را با کاربردهایشان کاملاً بشناسد تا به چنین مشکلاتی دچار نشود:

- تعطیلات بسیار در سال گذشته، در افت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد.
- تعطیلات بسیار در سال گذشته، در افت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر داشته است.

- ناهمانگی دو فعل یک جمله:

اگر در جمله دو فعل هم‌رتبه داشته باشیم، باید آن دو را از جهت زمان و ساخت با هم هماهنگ کنیم؛ مثلاً در این جمله:

«خدایا! اگر تو دستم را نگرفته بودی و کمکم نمی‌کردی، چه می‌شد؟» دو فعل «نگرفته بودی» و «کمکم نمی‌کردی» هم‌رتبه‌اند؛ یعنی از جهت نسبتشان با نهاد و زمان با هم تفاوتی ندارند. بنابراین، دلیلی ندارد که از دو ساخت متفاوت استفاده کنیم. باید این جمله را به این شکل بنویسیم:

خدایا! اگر تو دستم را نگرفته بودی و کمکم نکرده بودی، چه می‌شد؟

- کمکم کن تا از این بیماری فراموشکاری دست بردارم و دوباره یادم می‌آمد که بودم و برای چه آمده بودم.
- کمکم کن تا از این بیماری فراموشکاری دست بردارم و دوباره یادم بیاید که بودم و برای چه آمده بودم.
- درست است که باید برپایی مراسم عزاداری را مهم بدانیم و باید از خطبا و مداحان مخلص، تمجید کرد، اما باید رسالت روشنگری خویش را هم انجام دهیم.
- درست است که باید برپایی مراسم عزاداری را مهم بدانیم و از خطبا و مداحان مخلص، تمجید کنیم، اما باید رسالت روشنگری خویش را هم انجام دهیم.
- گاه پیش آمده که افراد بی‌سواد و بی‌صلاحیتی وارد این عرصه شده‌اند و دست به سوء استفاده‌هایی می‌زنند.
- گاه پیش آمده که افراد بی‌سواد و بی‌صلاحیتی به این عرصه وارد شده و سوء استفاده‌هایی کرده‌اند.

- نادرستی فعل‌های وابسته:

دو فعلی که در یک جمله داریم، همواره هم‌رتبه نیستند؛ گاه یک فعل اصلی داریم و فعلی دیگر که به آن وابسته است؛ مثلاً جزئی از مفعول فعل اصلی است. در چنین مواردی فعل دوم باید التزامی باشد:

- رکن‌الدوله دستور داد که بقعه‌ای بر مزار شیخ ساختند.
- رکن‌الدوله دستور داد که بقعه‌ای بر مزار شیخ بسازند.

کاربرد نادرست جملات

۱. ابهام در معنی جمله (کژتابی)

واژه‌ها اساسی‌ترین مواد در بیان معنی و منظور نویسنده هستند. پس نحوه چینش کلمات در جمله باید به گونه‌ای باشد که معنی روشن و واضحی به دست آید و از آن دو یا چند برداشت نشود.^۲

^۲ البته این مقوله با بحث «ابهام» که جزو آرایه‌های ادبی است، کاملاً متفاوت است. در ابهام، نویسنده یا شاعر برای خلق زیبایی و ایجاد لذت فکری برای خواننده، از

همچنین اگر قرار است جمله‌ای منفی باشد، به شکلی بیان نشود که خواننده آن را مثبت تلقی کند.

• *مسلمانان نباید تفرقه داشته باشند، تا دشمن سوء استفاده کند.*

مثبت بودن جملهٔ ربطی فوق صحیح نیست؛ زیرا می‌توان از آن چنین برداشتی هم کرد:

- *مسلمانان نباید تفرقه داشته باشند.*

- *چرا؟*

- *تا دشمن سوء استفاده کند.*

روشن است که علت اخیر برای این جمله صحیح نیست و عکس معنی مقصود را القاء می‌کند.

○ *مسلمانان نباید تفرقه داشته باشند، تا دشمن سوء استفاده نکند.*

• *مراسم بزرگداشت شهدای قانا توسط رژیم صهیونیستی، در مسجد ارگ برگزار شد.*

۱. *به شهادت رسیدن، توسط رژیم صهیونیستی بوده است.*

۲. *برگزاری مراسم، توسط رژیم صهیونیستی بوده است.*

• *اشیای سرقت شده توسط نیروی انتظامی در مرز کشف شد.*

۱. *کشف توسط نیروی انتظامی بوده است.*

۲. *سرقت توسط نیروی انتظامی بوده است.*

• *او همراه پدر و مادر بیمارش به سفر رفت.*

۱. *فقط مادر بیمار بوده است.*

۲. *پدر و مادر - هر دو - بیمار بوده‌اند.*

• *او مثل اکثر روستاییان بی‌سواد نیست.*

۱. *اکثر روستاییان بی‌سواد هستند.*

۲. *اکثر روستاییان بی‌سواد نیستند.*

• *بعضی می‌خواهند مثل غرب آزادی داشته باشند؛ در حالی که از نظر آن‌ها معلوم نیست آزادی به چه معنی است.*

۱. *از نظر غرب معلوم نیست آزادی به چه معنی است.*

۲. *از نظر آن افراد معلوم نیست آزادی به چه معنی است.*

ابهام را گاهی می‌توان با استفاده از نشانه‌گذاری، رفع نمود. نمونه‌ای از این تصحیح را ببینید:

• *غریبه‌ها اولین رمان او که برندهٔ جایزه شد بازار گرمی پیدا کرد.*

۱. *غریبه‌ها، اولین رمان اوست.*

۲. *غریبه‌ها، اولین رمان او نیست، بلکه اولین رمانی از اوست که برندهٔ جایزه شده است.*

با قرار دادن یک ویرگول مفهوم روشن می‌شود:

○ غریبه‌ها، اولین رمان او که برندهٔ جایزه شد، بازار گرمی پیدا کرد.

۲. طولانی کردن جمله

زبان نوشته هر چه ساده‌تر و از تکلف دورتر باشد، راحت‌تر فهمیده می‌شود و صمیمی‌تر و مؤثرتر می‌گردد. ازدحام کلمات و مترادف‌ها و حشوها ذهن خواننده را در دریافت معنی با مشکل مواجه می‌کند؛ مثلاً در نوشتهٔ زیر، نویسنده از عبارتهای طولانی و پیچیده استفاده کرده که می‌توان آن‌ها را به عبارتهای بی‌تکلف‌تری تبدیل کرد:

در جلسهٔ مورخ ... صاحب‌نظران و کارشناسان امر محیط زیست حضور به هم رسانده، مجمع عمومی را در جریان فعالیت‌های خویش قرار دادند و اطلاع حاصل شد که در این راستا تصمیمات اتخاذ شده، مورد تصویب مسئولان محترم واقع شده است که در موقع مقتضی به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. عبارتهای «حضور به هم رساندن»، «اطلاع حاصل شدن»، «مورد تصویب واقع شدن» و «به مورد اجرا گذاشته شدن» همگی طولانی هستند و جمله را نازیبا می‌کنند. این عبارتها و شکل کلی جمله را می‌توان کوتاه‌تر و دل‌نشین‌تر نوشت:

در جلسهٔ عمومی مورخ ... کارشناسان محیط زیست، ضمن گزارش فعالیت‌های خود، اعلام کردند که تصمیمات گرفته شده به تصویب مسئولان محترم رسیده است و در هنگام مناسب اجرا خواهد شد. نمونه‌هایی از این عبارتهای طولانی:

نادرست	درست	نادرست	درست
غیر قابل بازگشت	بازگشت‌ناپذیر	بدون شک و تردید	بی‌گمان
امکان‌پذیر	شدنی	حضور به هم رساندن	حاضر شدن
در حق کسی احترام مرعی داشتن	به کسی احترام نهادن	به منصفهٔ ظهور رساندن	ظاهر ساختن - آشکار کردن
روز به روز گسترش بیشتر یافت	گسترش روزافزون یافت	اطلاع حاصل نمودن	خبردار شدن
به موقع اجرا گذاشتن	اجرا کردن	مورد استفاده قرار دادن	استفاده کردن

نوشتن	به رشته تحریر کشیدن	استقبال کردن	استقبال به عمل آوردن
-------	------------------------	--------------	-------------------------

و نمونه‌هایی از جمله‌های طولانی:

- در مورد افراد معتاد به تخلف چاره‌ای نیست جز آنکه آن‌ها را از کار برکنار کرد.
- با توجه به اینکه انقلاب ما با خون هزاران شهید و جراحت روحی و جسمی هزاران جانباز و معلول، در اقصی نقاط ایران اسلامی، تنها با شعار رسیدن به معیارهای اصیل اسلامی در سال ۱۳۵۸ با رأی ۹۹ درصد مردم ایران به وجود آمده و در این راه، حتی گاهی افرادی مجبور به ترک سر و جان نیز شدند و به پای این آرمان مقدّس، خون‌های خود را نثار کردند، امروز نیز ما بایستی با تلاش، برای نگهداری آن بکوشیم.
- از آنجا که در سال‌های اخیر در حفظ قرآن، فعالیت‌های مؤثری در جامعه صورت پذیرفته است، با توکل به خدای متعال و توسل به ائمه اطهار و توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری در جهت گسترش هرچه بیشتر فرهنگ و معارف قرآنی و با توجه به سوابق شخصی استاد ... و اینکه فعالیت‌های قرآنی ایشان مدتی است که به صورت و سیاقی نو و به شکلی منسجم، در قالب مؤسسه قرآنی ... ادامه می‌یابد، بنده نیز فرصت را غنیمت شمرده و برای آشنایی بیشتر شما عزیزان با این استاد عزیز و خادم محترم قرآن، مصاحبه‌ای ترتیب داده‌ام که به نظرتان می‌رسد.

همان طور که می‌بینید، ساختار این جملات آن چنان نامناسب است که باید با تجدید نظر کامل، بازنویسی شوند:

- متخلفان را باید از کار برکنار کرد.
 - انقلاب ما با خون هزاران شهید و جراحت روحی و جسمی هزاران جانباز به پیروزی رسید و در سال ۱۳۵۸ با رأی ۹۹ درصدی مردم به جمهوری اسلامی، تثبیت شد. امروز نیز ما وظیفه داریم که در حفظ آن بکوشیم.
 - در سال‌های اخیر فعالیت‌های مؤثری در زمینه حفظ قرآن کریم در کشورمان صورت گرفته است. از جمله این تلاش‌ها، تأسیس مؤسسه قرآنی ... است که استاد ... مسئولیت آن را به عهده دارند. مصاحبه‌ای با این استاد عزیز و خادم قرآن ترتیب داده‌ایم تا با ایشان و فعالیت‌هایشان بیشتر آشنا شویم.
- گاهی طولانی شدن و مشکل شدن فهم جمله به این دلیل است که نویسنده میان نهاد و گزاره یا اجزای دیگر جمله فاصله طولانی ایجاد می‌کند و این فاصله معمولاً با جملات فرعی ایجاد می‌شود. برای رفع چنین اشکالی، گاه می‌توان جمله فرعی را از شکل جمله درآورد و مثلاً به صفت تبدیل کرد و گاه می‌توان آن جمله فرعی را از میان نهاد و گزاره برداشته، به صورت مستقل در جایگاه جمله‌ای اصلی قرار داد. به این نمونه‌ها دقت کنید:

- آیه شریفه از افرادی که با نگاه به آسمان شب به یاد خدا می‌افتند، سخن می‌گوید.
- آیه شریفه از افرادی سخن می‌گوید که با نگاه به آسمان شب به یاد خدا می‌افتند.
- سخن یکی از استادان مؤسسه سنت گابریل که طی آن به این حقیقت اعتراف کرده که عقل‌گرایی به مفهوم

طرد دین پدیده‌ای است غربی که عامل عمده آن ضعف آیین مسیحیت در پاسخ‌گویی به نیازهای حقوقی بشر بوده است، گواه صدق ادعای ماست.

○ گواه صدق ادعای ما، سخن یکی از استادان مؤسسه سنت گابریل است. او اعتراف کرده که عقل‌گرایی به مفهوم طرد دین، پدیده‌ای غربی است که عامل عمده آن ضعف آیین مسیحیت در پاسخ‌گویی به نیازهای حقوقی بشر بوده است.

- از این منزل به منزل دیگری که میزبانش با این میزبان فرقی ندارد، می‌رویم.
- از این منزل به منزل دیگری می‌رویم که میزبانش با این میزبان فرقی ندارد.

کاربرد نادرست کلمات

۱. تکرار بیجای کلمات

یکی دیگر از اشکال‌های رایج در نوشته‌های امروز، تکرار واژه یا عبارتی با فاصله کم است. در چنین جملاتی می‌توانیم واژه تکرار شده را حذف کنیم یا کلمه‌ای را جایگزین آن نماییم. نمونه‌هایی از تکرارهای نامناسب:

• اتفاقاً روزی مجنون تب‌دار شد و ناتوان و دست‌ور دادند که طبیبی که حجامت می‌کند را نزد او بیاورند و طبیب آمد و پهلوی مجنون نشست و در حالی که چاقو در دست داشت بازوی مجنون را محکم بست و مجنون در حالی که مثل ابر بهار گریه می‌کرد به طبیب گفت: که ای جوانمرد می‌خواهی کدام یک از رگ‌هایم را بزنی، طبیب رو به مجنون کرد و گفت: این رگت. و مجنون پاسخ داد: که این رگم از عشق لیلی لبریز است و نزد من همچون گوهر باارزش است و شایسته نیست که تیغ بر این رگم که مال لیلی است بزنی و جان مجنون فدای لیلی باد!

در این نوشته علاوه بر اشکالات نشانه‌گذاری و لحن، کلمات «و»، «که»، «در حالی که» و «مجنون» در فواصل کوتاه و نزدیک به هم تکرار شده‌اند که می‌توان به این شکل اصلاحشان کرد:

○ مجنون بیمار شده و طبیب گفته بود که برای بهبود باید حجامت کند. مرد رگ‌زن آمد و پهلوی او نشست. نیشتر را به دست گرفت، بازویش را بست و آماده کار شد. مجنون گریه‌کنان گفت: کدام رگم را می‌زنی؟ رگ‌زن آن را نشان داد. مجنون گفت: این رگم پر از لیلی است، باارزش است، روا نیست بر لیلی تیغ بزنی. جانم فدای او باد!

- حسن گفت که آنچه که باید بگویم آن است که...
- حسن گفت: آنچه باید بگویم این است: ...

• پیامبران، راهنمایان بشر هستند. راهنمایی‌های پیامبران برای همه لازم است. اگر پیامبران نبودند، جهان غرق ناپاکی بود.

○ پیامبران، راهنمایان بشر هستند و راهنمایی‌هایشان برای همه لازم است. اگر آن‌ها نبودند، جهان غرق ناپاکی بود.

۲. حشو

حشو یعنی آوردن کلمات یا جملاتی که زائد و بیهوده‌اند و در مفهوم جمله به حضور آن‌ها نیازی نیست؛ مثلاً در این جمله:

این آیه آشکار کردن زینت‌ها را مطلقاً نهی می‌کند و سپس استثنا می‌کند از آن‌ها زینت‌های ظاهری را که اظهار کردن آن‌ها مانعی ندارد.

«اظهار کردن آن‌ها مانعی ندارد» کاملاً از عبارت «استثنا می‌کند» فهمیده می‌شود و به تکرار این مفهوم نیازی نیست.

معمولاً حشو به یکی از این سه صورت ایجاد می‌شود:

الف) پی در پی آمدن کلمات هم‌معنی:

- دوست عزیز، گرمی و محترم!
 - تمام سعی و تلاش و کوشش خود را انجام بده.
 - هر روز شاهد اختراعات بدیع و ابداعات جدید هستیم.
- ب) به کاربردن دو کلمه‌ای که یکی از آن دو، مفهوم دیگری را در بر دارد:

- مردم از او سؤال پرسیدند.
 - دو طفلان مسلم آرام در کنار هم خفتند.
 - نیم رخ صورت او را دیدم.
- ج) آوردن واژگانی که بار معنایی خاصی به جمله اضافه نمی‌کنند:

- جوانانی بانشاط و طراوت جوانی، تا ساعاتی پیش از غروب خورشید در مزرعه کار می‌کردند.
- جوانانی بانشاط، تا ساعاتی پیش از غروب در مزرعه کار می‌کردند.
- رسول گرمی 6 پس از هجرت به شهر مدینه، شالوده تشکیل یک حکومت اسلامی را ریخت.
- رسول گرمی 6 پس از هجرت به مدینه، شالوده حکومت اسلامی را ریخت.
- من با پای پیاده به سفر مشهد رفتم.
- من پیاده به مشهد رفتم.

به نمونه‌هایی دیگر از حشوهای پر کاربرد دقت کنید:

نادرست	درست	نادرست	درست
سیر گردش کار	سیر کار - گردش کار	مِن بعد از این	بعد از این
پس بنابراین	بنابراین - پس	سنگ حجرالاسود	حجرالاسود
دوباره باز یافتن	باز یافتن	یک ... ای (یک خانه‌ای)	خانه‌ای - یک خانه
امکان ... میسر نیست	... امکان ندارد ... میسر نیست	تا اینکه	تا
اعلم تر (افعل تفضیل با تر)	اعلم - عالم تر	استارت شروع	شروع
در سن بیست سالگی	در بیست سالگی	سوابق گذشته	سوابق - گذشته
سایر شهرهای دیگر	شهرهای دیگر - سایر شهرها	مدخل ورودی	مدخل - ورودی
شب لیلة القدر	شب قدر - لیلة القدر	سال عام الفیل	عام الفیل
از قبل پیش بینی کردن	پیش بینی کردن	دوباره باز گفتن	باز گفتن - دوباره گفتن
خاستگاه اول	خاستگاه	علت ... بدان جهت است که ... به این علت است	علت ... این است که ... به این علت است
فرشته ملک الموت	ملک الموت	فینال آخر	فینال - بازی آخر
تخته وایت برد	وایت برد	اوج قلّة کوه	قلّة کوه
خاندان بنی عباس	بنی عباس	مثمر ثمر	ثمر داشتن
عروج به بالا	عروج - بالا رفتن	سقوط به پایین	سقوط - پایین افتادن
روزنامه‌های روزانه	روزنامه	بر علیه	علیه - برضد
مردی که تو او را دیدی (ضمیر و مرجع در یک جمله)	مردی که دیدی	بر له	له - به نفع او - برای او

۳. استفاده از کلمات شکسته و عامیانه

به کارگیری کلمات عامیانه و شکسته در نوشته‌های رسمی، کاملاً نارواست. این نوع کلمات فقط در نقل قول‌های داستان و نوشته‌هایی که سبک نویسندگانه در کل متن محاوره‌ای باشد، استفاده می‌شوند. بنابراین جملات زیر باید اصلاح شوند:

- مهم‌ترین بخش مقاله، متن اصلی اونه که به بررسی جوانب مختلف می‌پردازد و می‌کوشد که جواب منطقی برای موضوع مقاله عرضه کند.
- مهم‌ترین بخش مقاله، متن اصلی آن است که به بررسی جوانب مختلف می‌پردازد و می‌کوشد که جوابی منطقی برای موضوع مقاله عرضه کند.

- در سخنوری نباید روده‌درازی کرد؛ زیرا پرچانگی باعث می‌شود که شنونده چرت بزند.
- در سخنوری نباید زیاده سخن گفت؛ زیرا زیاده‌گویی باعث می‌شود که شنونده به خواب رود.

۴. استفاده از کلمات نامتناسب با فضا و سبک و مخاطب

در گزینش کلمات باید دقت کنیم که فضای متن از زبان امروز فاصله نگیرد یا از فارسی بودن، دور نشود. در نوشته‌ی زیر، کلمات عربی، متن را سنگین و غیر قابل فهم کرده‌اند:

- تمام سلامتی وجود طفل از حیث هیكل عنصریة بشریة و همچنین سلامتی روحیه و سعادت او سرچشمه از حال انعقاد نطفه و زمان حمل در شکم مادر می‌گیرد. پس آقایان و بانوان معظّمه عنایت فوق‌العاده‌ای به این موضوع داشته باشند و تمام شرایط سلامتی اولاد را از حیث سلامت بدنیه و روحیه در نظر بگیرند تا اینکه نطفه آن طفل با سعادت دنیا و آخرت متکون گردد.

می‌توان همین مفهوم را با بیانی ساده‌تر نوشت:

- سلامت کودک از نظر جسمی و روحی و همچنین سعادت آخرت وی، از لحظه انعقاد نطفه و دوران بارداری مادر آغاز می‌شود. پس پدران و مادران باید به این موضوع توجه داشته باشند و موقعیت مناسب را برای سلامت جسم و جان کودک فراهم کنند تا سعادت دنیا و آخرت او تأمین شود.

نمونه‌هایی دیگر:

- اصل و زمینه انشا، معانی است. موزونیت الفاظ از مفرعات آن و متقوم به حساسیت اعضاست. اندکی اعتدال و سلامت سمع کافی است که انسان از آوازه‌های ناموافق بپرهیزد.
- اصل و زمینه انشا، معانی است. آهنگین بودن کلمات فرع است و بستگی دارد به حساسیت قوه شنوایی. سلامت شنیداری باعث می‌شود انسان از آوای ناخوشایند دوری کند.

برخی از واژه‌های رایج عربی و معادل‌های فارسی‌شان از این قرارند:

واژه عربی	معادل فارسی آن	واژه عربی	معادل فارسی آن
کأن لم یکن	نابود انگاشتن	إن قلت کردن	اشکال گرفتن

گویا	کانه	به هر حال	علی ای حال
مثل همان	قس علی هذا	مانند گذشته	کما فی السابق
زیر پرچم	تحت لوا	به ناچار	لا محاله

جز استفاده نابجا از واژه‌های عربی، اشتباهات دیگری چون: کاربرد واژه‌های بیگانه دیگر، استفاده از کلمات فارسی کهن، جمله‌سازی با شیوه عربی یا غربی یا فارسی کهن نیز می‌تواند مشکل‌ساز باشد.

- و دانستن خدا اینکه آن بچه چه راهی را می‌پیماید، سلب اختیار از او نمی‌کند.
- علم الهی در مورد آینده کودک، از او سلب اختیار نمی‌کند.
- همچنان که گفته آمد، با انجام این اعمال، فرد وظیفه خود را ادا تواند کرد.
- همان طور که گفته شد، با انجام این اعمال فرد می‌تواند وظیفه خود را ادا کند.
- در این مواقع باید ریلکس باشید و پرستیژ خود را حفظ کنید.
- در این مواقع باید آرامش و شخصیت اجتماعی خود را حفظ کنید.

۵. تحمیل قاعده زبان عربی بر کلمات فارسی

- تنوین دادن به واژه‌های فارسی:
 - زبانا، تلفناً، گاهاً و...
 - زبانی، تلفنی، گاه‌گاه
- افزودن علامت جمع عربی به واژه‌های فارسی:
 - پیشنهادات، بازرسین، باغات
 - پیشنهادها، بازرسان، باغها
- ساختن جمع مکسر از واژه‌های فارسی:
 - آکراد، اساتید، فرامین، میادین
 - کردها، استادان، فرمانها، میدانها
- به کارگرفتن ساخت «جمع جمع»:
 - امورات، اسلحه‌ها، وجوهات، نذورات
 - امور(امرها)، اسلحه(سلاحها)، وجوه، نذور(نذرها)
- افزودن علامت مصدر جعلی عربی به واژه‌های فارسی:
 - خوبیت، دوئیت، رهبریت
 - خوب(خوبی)، دوگانگی، رهبری

- جمع بستن صفت به تقلید از عربی:
 - ائمه معصومین، علمای افاضل
 - ائمه معصوم، علمای فاضل
- مؤنث آوردن صفت به تقلید از عربی:
 - بازرس محترمه، نامه‌های وارده، زنان شاعره
 - بازرس محترم، نامه‌های رسیده، زنان شاعر
- ترکیب واژه فارسی با عربی به شیوه عربی:
 - حسب‌الفرمان، حسب‌الدستور
 - طبق‌فرمان، بر اساس دستور

۶. کاربرد نابجای «هر» و «هیچ»

آن‌گاه که فعل جمله منفی است، باید ترکیب کلی جمله نیز منفی باشد؛ مثلاً «هرگونه» برای جمله مثبت به کار می‌رود و در جمله منفی جایی ندارد و «هیچ» برای جملات منفی استفاده می‌شود:

- دانش‌آموزان از هرگونه تلاشی در کلاس فروگذار نمی‌کردند.
- دانش‌آموزان هرگونه تلاشی در کلاس انجام می‌دادند.
- دانش‌آموزان از هیچ‌گونه تلاشی در کلاس فروگذار نمی‌کردند.

۷. استفاده نادرست از صفت برترین

شماری از نویسندگان «صفت برترین» (صفت عالی) را نادرست به کار می‌برند. باید توجه کنیم که صفت برترین، موصوف خود را نسبت به همه موصوف‌های دیگر دارای این صفت، ممتاز می‌سازد و معنی و کاربرد آن در یکی از سه الگوی زیر شکل می‌گیرد:

معنی مفرد: صفت برترین کسره‌دار + موصوف جمع؛ مثال: پاکبازترین شهیدان

معنی مفرد: صفت برترین ساکن + موصوف مفرد؛ مثال: پاکبازترین شهید

معنی جمع: صفت برترین ساکن + موصوف جمع؛ مثال: پاکبازترین شهیدان

این الگوها در جمله به‌این شکل می‌آیند:

- پیامبر اکرم 6 گرمی‌ترین بندگان، نزد پروردگار است.
- پیامبر اکرم 6 گرمی‌ترین بنده، نزد پروردگار است.

- اهل بیت: گرامی‌ترین بندگان، نزد پروردگار هستند.

بنابراین، جمله زیر نادرست است؛ زیرا با آنکه نهادش جمع است، دارای الگوی اول است که معنی مفرد دارد:

- معروف‌ترین شاگردان شیخ مفید، سید مرتضی و سید رضی و شیخ طوسی بوده‌اند.
- معروف‌ترین شاگردان شیخ مفید، سید مرتضی و سید رضی و شیخ طوسی بوده‌اند.

کاربرد نادرست حروف

۱. کاربردهای نابجای حرف نشانه مفعول

«را» نشانه مفعول بی‌واسطه است و در اکثر جملات دارای مفعول، به کار می‌رود؛ اما گاه در استفاده از این نشانه اشتباهاتی روی می‌دهد که بخشی از درس را به این بحث اختصاص داده‌ایم:

الف) بر سر کلماتی که مفعول نیستند:

- تا اینجا نتیجه‌ای را نگرفتیم. (نتیجه گرفتن)
- تا اینجا نتیجه‌ای نگرفتیم.

- در تمام این ایام هیچ مطالعه‌ای را نکردیم. (مطالعه کردن)
- در تمام این ایام هیچ مطالعه‌ای نکردیم.

- تلفنت را که زدی، به مدرسه برو. (تلفن زدن)
- تلفن که زدی، به مدرسه برو.
- تقاضای تجدید نظر را دارم. (تقاضا داشتن)
- تقاضای تجدید نظر دارم.

- نمی‌دانیم جمعه‌ای را که به ما وعده داده شده، کی می‌رسد.
- «جمعه» نهاد است برای «می‌رسد» و در جمله فرعی «به ما وعده داده شده»، نقش ندارد؛ پس مفعول نیست و «را» نمی‌گیرد.

- نمی‌دانیم جمعه‌ای که به ما وعده داده شده، کی می‌رسد.

- تابلویی را که کشیده‌اید، قابل تحسین است.
- «تابلو» نهاد است برای جمله «قابل تحسین است» و در جمله فرعی «که کشیده‌اید» نقش نمی‌گیرد. پس مفعول نیست و به «را» نیاز ندارد.

- تابلویی که کشیده‌اید، قابل تحسین است.

- کلماتی را که در نوشته‌هایمان به کار می‌بریم، گاه نادرست‌اند.
- کلماتی که در نوشته‌هایمان به کار می‌بریم، گاه نادرست‌اند.

ب) با فاصله از مفعول:

حرف نشانهٔ «را» باید بلافاصله بعد از مفعول بیاید و جملهٔ توضیح دهنده، نباید میان مفعول و نشانهٔ آن فاصله بیندازد.

- هدیه‌ای که به دوستم داده بودم را پسندید.
- هدیه‌ای را که به دوستم داده بودم، پسندید.
- رزمندگان سلاح‌هایی که غنیمت گرفته بودند را به پشت جبهه منتقل کردند.
- رزمندگان سلاح‌هایی را که غنیمت گرفته بودند، به پشت جبهه منتقل کردند.

همان طور که دیدید در این جمله‌ها «را» بعد از فعل قرار گرفته بود؛ در حالی که در هیچ نوع جمله‌ای «را» نباید بعد از فعل بیاید. پس حتی اگر مفعول، به شکل جمله باشد، نباید بعد از آن «را» بیاوریم.^۲

ج) میان مفعول:

نشانهٔ مفعول (را) باید در جای درست و شایسته بنشیند. مکان «را» بعد از مفعول است و هرگز نباید به بهانهٔ مرکب بودن مفعول، در میان آن بیاید. البته هرگاه مفعول طولانی شود، باید برای آن چاره‌ای دیگر اندیشید. در مثال زیر، مفعول عبارت است از: «شهادت یکایک یاران امام حسین 7 در عاشورا»:

همهٔ گزارش‌های تاریخی، شهادت یکایک یاران امام حسین 7 در عاشورا را تأیید نکرده‌اند.
ن باید به بهانهٔ کوتاه کردن مفعول، «را» بعد از امام حسین 7 بیاید، زیرا «در عاشورا» جزء مفعول است. برای حل مشکل طولانی بودن مفعول، می‌توان جمله را چنین نوشت:

همهٔ گزارش‌های تاریخی این ادعا را تأیید نکرده‌اند که یکایک یاران امام حسین 7 در عاشورا شهید شده‌اند.
نمونه‌های دیگر:

- استفاده از شیوه‌های علمی در روان‌شناسی، نتایج به دست آمده را از بررسی‌های این علم قابل اعتمادتر و قابل تعمیم‌تر می‌کند.
- استفاده از شیوه‌های علمی در روان‌شناسی، نتایج به دست آمده از بررسی‌های این علم را قابل اعتمادتر و قابل تعمیم‌تر می‌کند.

^۲ گاه جمله‌جانشین اسم می‌شود و نقش مضاف‌الیهی می‌گیرد. در این موارد، استثنائاً پیش می‌آید که «را» بعد از فعل قرار گیرد: کتاب «آنچه باید مادران بدانند» را خوانده‌ای؟ یا: دیشب سریال «این خانه دور است» را دیدم.

- بسیاری از مردم امکان تماس مخلوق را با خالق از شگفتی‌هایی می‌دانستند که در باور نمی‌گنجد.
- بسیاری از مردم امکان تماس مخلوق با خالق را از شگفتی‌هایی می‌دانستند که در باور نمی‌گنجد.
- گاهی اوقات جواب‌ها به گونه‌ای است که احساس تعلق و دل‌بستگی را نسبت به والدین کاهش می‌دهد.
- گاهی اوقات جواب‌ها به گونه‌ای است که احساس تعلق و دل‌بستگی به والدین را کاهش می‌دهد.

اگر در مواردی مفعولی در جمله وجود داشت که بسیار طولانی بود و جمله را نازیبا می‌کرد، بهترین راه، تبدیل کردن آن به جمله است:

- دانشمندان، اختراع دستگاهی با قابلیت تشخیص سریع این بیماری را تأیید کرده‌اند.
- دانشمندان تأیید کرده‌اند که دستگاهی با قابلیت تشخیص سریع این بیماری اختراع شده است.
- آماده شدن این مجموعه بزرگ به دست استاد در مدت پنج سال را می‌توان از عجایب دانست.
- از عجایب است که استاد این مجموعه بزرگ را در مدت پنج سال آماده کرده است.

۲. کاربرد نابجای حروف اضافه

حرف اضافه در انسجام و زیبایی جمله نقش بسزایی دارد. کاربرد نادرست حرف اضافه یا حذف نابجای آن، جمله را سخت آسیب‌پذیر می‌سازد. همچنین باید بدانیم برخی از فعل‌ها حرف اضافه ویژه‌ای دارند که به هنگام کاربرد این گونه افعال باید به حرف اضافه خاص آن‌ها دقت کنیم.

الف) حذف نابجای حرف اضافه:

- رشته ورزشی که آشنایی دارد، شناست.
- رشته ورزشی که با آن آشنایی دارد، شناست.

ب) کاربرد نابجای حرف اضافه:

- فقیه عادل شایسته رهبری بر جامعه است.
- فقیه عادل شایسته رهبری جامعه است.

ج) استفاده از حرف اضافه نامناسب:

- تیم آمریکا از ایران باخت.
- تیم آمریکا به ایران باخت.

- دیدگاه او از دیدگاه روان‌شناسان متفاوت است.
- دیدگاه او با دیدگاه روان‌شناسان متفاوت است.

- افکار بسیاری بر ذهنم خطور کرد.
- افکار بسیاری به ذهنم خطور کرد.

- ادیان باطل به قوای طبیعت، الوهیت قائل می‌شوند.
- ادیان باطل برای قوای طبیعت، الوهیت قائل می‌شوند.

تعدادی از فعل‌ها را با حرف اضافه مخصوص هر یک ببینید:

فعل‌ها با حرف اضافه «به»:

اندیشیدن، بازگشتن، برگشتن، بالیدن، برازیدن، برخوردن، پرداختن، پی بردن، پیوستن، تاختن، چسبیدن، خلیدن، رسیدن (منجر شدن)، گراییدن، گرویدن، گریختن، ماندن، مانستن، نازیدن، نگریستن و...

فعل‌ها با حرف اضافه «با»:

جنگیدن، درآمیختن، ساختن (سازگار بودن)، ستیزیدن، آمیختن (مخلوط شدن) و...

فعل‌ها با حرف اضافه «از»:

پرهیزیدن، ترسیدن، رنجیدن، گذشتن (صرف نظر کردن، عفو کردن)، رهیدن، گریختن، برگشتن، بازماندن و...

د) عطف کلمات با حرف اضافه‌های متفاوت:

- ویرایش یعنی کاستن و افزودن به متن، برای زینت دادن.
- ویرایش یعنی کاستن از متن و افزودن به آن، برای زینت دادن.

- ورود و خروج از این مکان ممنوع است.

- ورود به این مکان و خروج از آن ممنوع است.

- مردم ایران محافظ و علاقه‌مند به اسلام هستند.

- مردم ایران محافظ اسلام و علاقه‌مند به آن هستند.

- اهتمام و برنامه‌ریزی اسلام برای سعادت انسان، ستودنی است.
- اهتمام اسلام به سعادت انسان و برنامه‌ریزی‌اش برای آن، ستودنی است.

۳. استفاده نادرست از عطف

حرف عطف نشان دهنده این است که کلمات معطوف، هم‌نقش‌اند و از نظر موقعیت یکسان هستند. به این جمله دقت کنید:

قرآن مبارزه با فساد و تباهی و ظلم‌زدایی و عدل‌گستری را از وظایف اصلی مؤمنان می‌داند.

در این جمله چهار کلمه به هم عطف شده‌اند. عطف شدن این کلمات به این معنی است که هم‌نقش‌اند؛ یعنی: مبارزه با فساد، مبارزه با تباهی، مبارزه با ظلم‌زدایی، مبارزه با عدل‌گستری! در حالی که مفهوم جمله چنین نیست و این عطف نادرست، جمله را دچار مشکل کرده است. برای رفع این اشکال جای کلمات را تغییر می‌دهیم:

قرآن ظلم‌زدایی و عدل‌گستری و مبارزه با فساد و تباهی را از وظایف اصلی مؤمنان می‌داند.

نمونه‌های دیگر:

- انسان باید خود را به پرهیز از تن‌پروری و ورزش و تلاش عادت دهد.
- انسان باید خود را به ورزش و تلاش و پرهیز از تن‌پروری عادت دهد.

- محصل باید در حالت جوانی و نشاط و قوت بدن و کم بودن اشتغالات ذهنی و تراکم موانع درس بخواند.
- محصل باید در حالت جوانی و نشاط و قوت بدن درس بخواند؛ هنگامی که اشتغالات ذهنی او کمتر باشد و مسائل متعدّد، مانع او نشوند.

۴. آوردن دو حرف ربط وابستگی (استدراک)

تعدادی از حروف ربط مانند اگرچه، هرچند، چون، معنی استدراک یعنی توهم‌زدایی از کلام سابق را دارند و به تنهایی میان دو جمله ارتباط برقرار می‌کنند؛ بنابراین به آوردن «اما، لذا، ولی، با وجود این و ...» در بخش دوم جمله نیازی نیست.

این گونه موارد از نمونه‌های روشن حشو است.

- هر چند قیام عاشورا جهان تاب است، اما ابعاد آن هنوز ناشناخته مانده است.
- هر چند قیام عاشورا جهان تاب است، ابعاد آن هنوز ناشناخته مانده است.
- قیام عاشورا جهان تاب است، اما ابعاد آن هنوز ناشناخته مانده است.
- با اینکه جوانان نسل حاضر باسوادند، اما در برابر تهاجم فرهنگی ایمن نیستند.

- با اینکه جوانان نسل حاضر باسوادند، در برابر تهاجم فرهنگی ایمن نیستند.
- جوانان نسل حاضر باسوادند، اما در برابر تهاجم فرهنگی ایمن نیستند.

موارد لغزش‌های نگارشی، بیش از اینهاست و ما در این چند درس، به مهم‌ترین آن‌ها پرداختیم. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به این منابع مراجعه کنید:

- بر بال قلم، سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)
- غلط ننویسیم، ابوالحسن نجفی
- نگارش و ویرایش، احمد سمیعی (گیلانی)
- راهنمای آماده ساختن کتاب، میرشمس‌الدین ادیب سلطانی
- کتاب کار نگارش و انشا، حسن ذوالفقاری، ج ۲
- پالایش و ویرایش، مصطفی میرسلیم

درست بنویسیم

در میان غلط‌های املائی، می‌توان از استفاده نادرست کلمات به جای یکدیگر نام برد. کلماتی که از جهت تلفظ و نگارش به هم شبیه‌اند و نویسنده کم مطالعه را دچار مشکل می‌کنند. به عنوان نمونه به تعدادی از این کلمات با معانی متفاوتشان اشاره می‌کنیم:

احسن: نیکوتر	احسنت: آفرین بر تو
افکار: اندیشه‌ها	افکار: زخمی
بنیاد: پایه بنا	بنیان: بنا
بها: ارزش، قیمت	بهاء: روشنایی
پرتقال: نام میوه‌ای	پرتغال: نام کشوری
ثواب: پاداش	صواب: درست

هائل: ترسناک، هولناک	- حائل: آنچه میان دو چیز واقع شود
هول: ترس	- حول: پیرامون، اطراف
حیاط: فضای سرگشوده خانه	- حیات: زندگی
صفیر: صدای سوت، آواز پرنده	- سفیر: پیام آور
شَبَه: نوعی سنگ سیاه	- شَبَح: سیاهی‌ای که از دور به نظر می‌آید
فَراغ: آسودگی	- فِراق: دوری، جدایی
کاندیدا: داوطلب، نامزد	- کاندید: ساده دل
مَسَح: کشیدن دست بر سر یا پا	- مَسّ: لمس کردن
مضمضه: آب در دهان گرداندن	- مزمه: چشیدن
نَفَخه: نَفَس، دَمِش	- نَفحه: بوی خوش، نسیم

برخی از کلماتی که امروزه در گفتار و نوشتار رایج هستند، از پایه ساختگی و نادرست‌اند. نویسنده باید از به کاربردن این کلمات بپرهیزد و معادل‌های صحیح و مناسبی را به جای آن‌ها استفاده کند. اکثر این گونه کلمات، از عربی وارد فارسی شده و ساخت‌هایی در فارسی پیدا کرده‌اند که نادرست است و با قواعد عربی مطابقت ندارد. تعدادی از این واژگان بی‌پایه از این قرارند:

نادرست	درست	نادرست	درست
اتوشویی	لباس‌شویی	بیدار خوابی	شب‌بیداری
اثاثیه	اثاث	تسری	سرایت کردن
اساتید	استادان	تورق	ورق زدن - برگ‌زنی
استعفا دادن	استعفا کردن	حجیم	پرحجم
استفاده بردن	استفاده کردن	حرّاف	پرحرف
افلیج - فَلَج	مفلوج	حقوق مُکفی	حقوق کافی

مداخله	دخالت	قشرها	اقشار
روش	رویّه	دست کم - حدّ اقلّ	اقلاًّ
جانگداز - جانسوز	فجیع	حدّ اکثر	اکثراًّ
مذکور - پیش گفته	فوق الذّکر	فرستاده می شود	ایفاد می گردد
نابود شدن	کن فیکون شدن	با وجود این	با این وجود
گرامی	گرام	به چشم خود دیدم	برأی العین دیدم
صاحب نفوذ	متنفذ	بی درنگ	بلادرنگ
دیدگاه	نقطه نظر	بی اعتنا - بی توجه	بی تفاوت

در این درس فهرست بعضی غلط‌های املائی را که رایج‌ترند در جدولی ارائه کرده‌ایم:

ندرست	درست	ندرست	درست
خشیت	خَشِیت	بانک بلند	بانگ بلند
دوم	دوم	هاله	هاله
سوم	سوم	حیث و بیث	حیص و بیص
عادی	عادی	ذغال	زغال
حراج	حراج	وحله	وهله
شفقت	شفقت	منقض	منغص
عمامه	عمامه	بهبوهه	بحبوحه
متعال، متعال	متعالی	واله او	واله او
آبّهت	آبّهت	گره کور	گره کور
عبدالمطلب	عبدالمطلب	مشابه آن	مشابه آن
برحه	برهه	آسمان قرمبه	آسمان غرنبه
حرس کردن	هرس کردن	سورمه	سرمه
ذکام	زکام	فلاکس	فلاسک
عسگری	عسگری	علاقمند	علاقه مند
مرحم	مرهم	خورسند	خرسند
قاطی پاطی	قاتی پاتی	سؤال	سؤال
انصجار	انزجار	مُتّنابه	مُعتنابه

در این درس به نمونه‌هایی از اشتباهات اشاره می‌کنیم که بیشتر از آنکه به نوشتن مربوط باشند، به شیوه نادرست تلفظ کلمات اشاره دارند و ناشی از عدم شناخت کلمات هستند. می‌دانید که آشنایی نویسنده با واژه‌ها از پایه‌های نویسندگی است.

نادرست	درست	نادرست	درست
آفریدگار	آفریدگار	اثناعشری	اثناعشری
احیاناً	أحياناً	اناث (جمع مؤنث)	أناث
برومند	برومند	بلال حبشی	بلال حبشی
پلاکارت	پلاکارد	پیامبر	پیامبر
تجربه	تجربه	جد و آباء	جد و آباء
جهاد	جهاد	حماسه	حماسه
خرمن	خرمن	خلط مبحث	خلط مبحث
خلل	خلل	خواربار	خواربار
خورشت	خورش	دلیر	دلیر
سفته	سفته	کاوش	کاوش
مهربان	مهربان		

از نکات مهمی که نویسنده باید به آن توجه کند این است که واژه‌ها و عبارات نوشته خود را از میان کلمات اصیل فارسی انتخاب کند و خود را از آفت «گرته‌برداری» از زبان‌های بیگانه دور نگه دارد.

این آفت که از ترجمه‌های ناشیانه و سهل‌انگارانه وارد زبان فارسی شده است، متأسفانه در بعضی موارد شیوع پیدا کرده و دامن گیر شماری از نوشته‌ها شده است.

در این درس به چند نمونه از این گرته‌برداری‌ها اشاره می‌کنیم:

گرته‌برداری از انگلیسی:

آتش گشودن	آشلیک کردن، به آتش بستن
حمام گرفتن	حمام رفتن
کسی را فهمیدن	فهمیدن سخن یا موقعیت کسی
نجات دادن زندگی یک فرد	نجات دادن فرد
وقت کمی روی چیزی گذاشتن	وقت کمی برای چیزی صرف کردن
برای مدتی ماندن	مدتی ماندن
تحت این شرایط	در این وضع، در این اوضاع
کسی را روی فرم نگه داشتن	حفظ آمادگی
یک نگاه به چیزی انداختن	به چیزی نگاه کردن
روی کسی حساب کردن	به او اعتماد داشتن، به امید او بودن
آن را به عنوان نهادی مهم می‌شناسند	آن را نهادی مهم می‌دانند

گرفته‌برداری از عربی:

(مستضعفین من عبادالله)

بندگان مستضعف خدا

مستضعفان از بندگان خدا

(فطره الله التي خلق الناس عليها)

خدا مردم را طبق این فطرت آفرید

خدا مردم را بر این فطرت آفرید

(نقل عن خواص العلماء)

از دانشوران خاص نقل شده

از خواص دانشوران نقل شده

(ذلك الرد على الله)

آن نیز ردّ بر خداست

آن نیز ردّ خدا یا انکار خداست

(من سعادة المرء الولد الصالح)

از سعادت مرد داشتن فرزند صالح است مایه سعادت یا از نشانه‌های سعادت...

(نقول بأنّ)

می‌گوییم به اینکه

می‌گوییم که

بها دادن: این ترکیب به معنی «قیمت را پرداختن» است؛ بنابراین، به کاربردن آن به معنی «اهمیت دادن» درست نیست و به جای آن می‌توان از معادل‌های «ارج گذاشتن»، «ارزش نهادن»، «اعتبار قائل شدن» و... استفاده کرد.

به بهانه: به کار بردن این ترکیب به معنی «به مناسبت» درست نیست؛ زیرا معنی آن «توسل به علتی آشکار ولی دروغین، برای رسیدن به مقصود پنهانی» است. پس عبارت «به بهانه هفته دولت مصاحبه‌ای با رئیس جمهور ترتیب داده‌ایم» نادرست است؛ زیرا معنی‌اش این است که ما به هفته دولت کاری نداریم؛ بلکه این هفته را بهانه کرده‌ایم تا به هدف پوشیده خودمان برسیم.

پیاده کردن: این ترکیب را به معنی «عملی کردن»، «اجرا کردن»، «محقق کردن» و مانند این‌ها نباید به کار ببریم. این عبارت، متضادّ سوار کردن است. بنابراین به جای جمله «احکام مکتب والای اسلام باید در همه جا پیاده شود» باید بگوییم «عملی شود» یا «محقق شود»

پیشرفت و پیشروی: پیشروی در معنی حقیقی جلو رفتن و پیشرفت در معنی مجازی آن به کار می‌رود. به عبارت دیگر پیشروی برای امور عینی و مادی و پیشرفت برای امور معنوی گفته می‌شود؛ بنابراین «پیشروی نیروهای دشمن» درست و «پیشرفت نیروها» نادرست است.

لازم به ذکر است: این عبارت و عبارت‌های مشابه آن مثل «لازم به تذکر است»، «لازم به توضیح است»، «لازم به یادآوری است» غلط مسلّم هستند. زیرا لازم بودن، حرف اضافه «به» نمی‌گیرد.

أحیا و اِحیا: این دو کلمه را نباید با هم اشتباه کرد. «أحیا» جمع «حیّ» به معنی زنده است؛ اما «احیا» مصدری است به معنی «زنده کردن». بنابراین باید گفت: «شب‌های احیا» نه «أحیا»

وعده و وعید: این ترکیب را در فارسی معمولاً به معنی «تطمیع» و «فریفتن با امیدهای خوش» به کار می‌برند در حالی که «وعید» متضاد «وعد» و به معنی «تهدید» است. بنابراین، اصطلاح وعده و وعید در کاربرد صحیح به معنی «بشارت و تهدید» است و تنها در مواردی استفاده از آن درست خواهد بود که هم تطمیع در کار باشد و هم تهدید.

مَلِکَه و مَلِکَه: «مَلِکَه» که در علم اخلاق از آن بسیار سخن می‌گویند، «کیفیتی نفسانی است که ثابت و تغییرناپذیر باشد»؛ مثلاً گفته می‌شود: «این اخلاق برای او مَلِکَه شده است.»؛ اما «مَلِکَه» مؤنث «مَلِک» است و به معنی «شهبانو» است.

اعلام و اعلان: اعلام به معنی «آگاه کردن» و «خبر دادن» است و اعلان به معنی «آشکار کردن» و «فاش نمودن». بنابراین اعلام جنگ و اعلان جنگ هر دو صحیح است؛ البته اولی به معنی «اطلاع دادن حالت جنگ» و دومی به معنی «آشکار کردن حالت جنگ».

گزیر و گریز: «گریز» اسم مصدر گریختن و به معنی فرار کردن است؛ اما «گزیر» اسم مصدر گزیریدن - که امروزه دیگر استعمال نمی‌شود - و به معنی «چاره» است. این واژه بیشتر در فعل‌های مرکب «گزیر بودن» و «گزیر داشتن» و معمولاً در صیغه منفی استفاده می‌شود. ناگزیر و گزیر نداشتن یعنی ضروری بودن و چاره نداشتن. بنابراین «از این کار گزیری نیست» نادرست است و باید گفت «از این کار گزیری نیست».

می‌باشد: بعضی معتقدند که در نوشته‌های معتبر فارسی، هرگز این فعل به جای «است» به کار نرفته و استعمال آن غلط است. البته این حرف کاملاً درست نیست؛ اما بهتر است کاربرد این فعل را به حدّ اقلّ برسانیم و جز در مواردی که برای جلوگیری از تکرار زیاده از حدّ «است» لازم باشد، از آن استفاده نکنیم.

می‌نماید: «نمودن» به معنی «نشان دادن»، «عرضه کردن» و «به نظر آمدن» است؛ بنابراین استفاده از آن، به جای فعل «کردن» در اصل صحیح نیست و فقط در موارد ضروری و برای جلوگیری از تکرار «کردن» می‌توان آن را به کار برد.

گذاشتن و گزاردن: گذاشتن چه به معنی حقیقی قرار دادن و چه به معنی مجازی وضع کردن و تأسیس کردن باشد با «ذ» نوشته می‌شود؛ مانند قانون‌گذار، بنیان‌گذار، پایه‌گذار، بدعت‌گذار

اما گزاردن به معنی به جا آوردن با «ز» نوشته می‌شود؛ مانند: نماز‌گزار، سپاس‌گزار، شکر‌گزار، خدمت‌گزار، بر همین اساس معنی کلمات با املای متفاوت، تغییر می‌کند. قانون‌گذار به معنی وضع‌کننده قانون، یعنی مجلس شورای اسلامی و قانون‌گزار به معنی اجرا‌کننده قانون، یعنی دولت.

خاستن و خواستن: خاستن به معنی بلند شدن و خواستن به معنی خواهش کردن و آرزو کردن است. کلماتی که از ترکیب هر یک از این مصدرها ساخته می‌شوند، تابع املای همان خواهند بود: خاستگاه، خواهش، خواستگاری، به پاخاسته

اتاق: حرف «ط» از حروف مخصوص زبان عربی است و به کار بردن آن در کلمه‌های غیر عربی، اعمّ از فارسی، ترکی، انگلیسی، روسی و... صحیح نیست. بنابراین کلماتی از قبیل «اتاق، باتری، بلیت، تهران، تپانچه، امپراتور، امپراتریس، بُتری، تپیدن، غلتیدن، تنبور و اُتراق» را نباید با «ط» نوشت.